



دانشگاه قم

دانشکده حقوق

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی

**عنوان:**

# **نقد و بررسی قضای احیاگر و جایگاه آن در سیاست جنایی ایران**

**استاد راهنما:**

**دکتر محمدعلی حاجی ده آبادی**

**استاد مشاور:**

**دکتر جلال الدین قیاسی**

**نگارنده:**

**سید حمزه هاشمی نژاد**

بهار ۱۳۹۰

## چکیده

دستیابی به عدالت حقیقی از دیدگاه برخی، به گونه ای سنتی در الگوی کلاسیک یا سنتی قضای کیفری و از نوع سزادهنده جستجو می‌شود، آنان بزهکار را مستحق کیفر و عقاب می‌دانند. اما فساد و عدم سلامت ارکان مختلف دستگاه قضای سنتی، دخالت مراجع سیاسی در اجرا یا عدم اجرای دقیق قانون، عدم دسترسی مساوی و کافی برای همه، عدم حمایت شایسته از بزه دیدگان و گروههای آسیب پذیر در برابر بزه و به طور کلی عدم کارایی این نظام، از مهم ترین انتقادات مطرح شده نسبت به این الگو است. علل فوق و دلایل متعددی باعث گردیده که روز به روز بر تمایل اشخاص به حل اختلافات کیفری خویش از طریق شیوه هایی نظیر میانجی گری، گفتگو و... افزوده شده و همچنین مؤسسات و سازمانهای مختلف موضوع فعالیت خویش را به این شیوه ها اختصاص دهند. اندیشه‌های نوین حقوق کیفری، به دنبال یافتن افق‌های تازه است. الگوی قضای احیاگر در این راستا آغاز شده و هم اینک با برنامه ها و فرآیندهای متعدّد و متنوع خود، در سرتاسر جهان، در حال پیشرفت است. قضای احیاگر که هم خاستگاه نظری و فلسفی دارد و هم خاستگاه عملی و فایده گرا، راهکاری است در حمایت از حداکثر آزادی فردی و حداقل توصل به کنترل کیفری و رسمی که برای کاهش مشکلات ناشی از تورّم کیفری، باید به مثابه الگوی اصلاح قضای کیفری، تعریف، برنامه ریزی، اجرا و مدیریت شود. اساس راهکار قضای احیاگر، نیاز و درخواست جهت اصلاح و تغییر در قضای کیفری سنتی است؛ هم اصلاح و تغییر وظایف و هم تقویت نهادها و سازمانهایی که می بایست در کنار دستگاه قضا، با تخلف ها و جرم ها برخورد کرده و در مقابل این پدیده ها، واکنش و پاسخ هایی را سازماندهی نمایند. از این رو ضروری است تا ضمن نقد و بررسی این الگو، با بررسی جایگاه آن در سیاست جنایی، راهکارهایی مناسب برای تنظیم یک برنامه عمل و نیز مدیریت مستمر آن اندیشیده شود.

**کلمات کلیدی:** قضا، قضای کیفری، قضای احیاگر، سیاست جنایی

## **تقدیر و تشکر**

حمد و سپاس خدای را که توفیق کسب دانش و معرفت را به ما عطا فرمود.  
بر خود لازم می دانم تا از تمامی اساتید بزرگوار که در طول دوره کارشناسی ارشد، مرا در  
تحصیل علم و معرفت و فضائل اخلاقی یاری نموده اند، تقدیر و تشکر نمایم.  
به ویژه نهایت تقدیر و تشکر دارم از:

استاد گرامی و بزرگوار جناب آقای دکتر محمدعلی حاجی ده آبادی که راهنمایی اینجانب را  
در انجام تحقیق، پژوهش و نگارش این پایان نامه تقبل نموده اند؛

و

استاد گرامی و بزرگوار جناب آقای جلال الدین قیاسی که به عنوان مشاور با راهنمایی خود، مرا  
مورد لطف قرار داده اند.

تقدیم به

## پدر و مادر عزیزم

بوسه بوسه ی فاکستر وجودم بر دستان بزرگوارشان

بر وارستگی

بر شرافت

و بر لطف بی دریغشان

.

.

.

هر چه دارم از عارفانه های آنهاست به هنگامه ی دعا

از عروج سجودشان در سجاده

و خلوص حضورشان در بلندای قنوت.

## فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه.....	۱
فصل اول: کلیات.....	۹
۱-۱. ماهیت قضای احیاگر.....	۱۰
۱-۱-۱. تعریف قضای احیاگر.....	۱۰
۱-۱-۲. تحول مفهومی قضای احیاگر.....	۱۴
۱-۲-۱-۱. مفهوم قضای احیاگر.....	۱۴
۱-۲-۱-۲. مضمیق قضای احیاگر.....	۱۴
۱-۲-۱-۱. مفهوم قضای احیاگر.....	۱۵
۱-۲-۱-۱. قضای احیاگر و عدالت ترمیمی.....	۱۵
۲-۱. سیر تحولات قضای احیاگر.....	۱۷
۱-۲-۱. سیر تحولات تاریخی قضای کیفری و جایگاه احیاگری در آن.....	۱۸
۱-۱-۲-۱. قبل از انقلاب فرانسه.....	۱۸
۱-۱-۱-۲-۱. عهد باستان: تلفیقی از گرایشات سزاگرانه و احیاگرانه.....	۱۸
۱-۱-۱-۱-۲-۱. «انتقام» و «گیری».....	۱۹
۲-۱-۱-۱-۲-۱. «سزادهی».....	۱۹
۲-۱-۱-۱-۲-۱. «جبران خسارت» و «مذاکرات استرداد».....	۱۹

کیفری	مقابل حقوق	دوران	و	پیدایش دولت ها	۲-۱-۱-۲-۱	مدرن.....	۲۱
کیفری	حقوق	پیدایش		انقلاب فرانسه:	۲-۱-۲-۱	مدرن(کلاسیک).....	۲۳
کیفری	قضای	مداری:	جرم	عصر	۱-۲-۱-۲-۱	سزادهنده.....	۲۵
کیفری	قضای	مداری:	مجرم	عصر	۲-۲-۱-۲-۱	اصلاحگر.....	۲۵
دیده	بزه	تولد		دوران	۳-۲-۱-۲-۱	شناسی.....	۲۷
گیری	جهت	نخست:		رویکرد	۱-۳-۲-۱-۲-۱	علمی.....	۲۷
گیری	جهت	دوم:		رویکرد	۲-۳-۲-۱-۲-۱	حمایتی.....	۲۸
قضای	در	احیاگری		مجدد رویکرد	۴-۲-۱-۲-۱	کیفری.....	۲۹
قضای	نظری	های	احیاگر(بنیان	علمی قضای	۲-۲-۱	احیاگر).....	۲۹
سازی	خنثی	ی		نظریه	۱-۲-۲-۱	ماتزا.....	۳۱
برایت	بازپذیرنده	شرمساری		نظریه	۲-۲-۲-۱	ویت.....	۳۲
۳۳				نظریه ی کنترل هیبرشی	۳-۲-۲-۱		۳۳
۳۴				اصول قضای احیاگر	۳-۱		۳۴
۳۵				اصول بنیادین قضای احیاگر	۱-۳-۱		۳۵
۳۵				اصول فرعی قضای احیاگر	۲-۳-۱		۳۵
قضای	فرعی	اصول		سایر	۳-۳-۱	احیاگر.....	۳۷

۴-۱. اهداف قضای احیاگر.....	۳۹	
۴-۱-۱. اصل روابط شخصی.....	۳۹	
۴-۱-۲. جبران.....	۳۹	
۴-۱-۳. بازپذیری.....	۴۰	
۴-۱-۴. مشارکت.....	۴۰	
۵-۱. مفهوم و انواع سیاست جنایی.....	۴۱	
فصل دوم: نقد و بررسی قضای احیاگر.....	۴۴	
۱-۲. الگوی قضای کیفی سزادهنده.....	۴۴	
۱-۱-۲. معرفی	الگوی	قضای
سزادهنده.....	۴۵	
۲-۱-۲. انتقادات	وارد	براندیشه
سزادهی.....	۴۸	
۱-۲-۱-۲. انتقادات	وارد	بر
سزادهنده.....	۴۸	مبانی نظری قضای کیفی
۱-۱-۲-۱-۲. توجه	صرف	به
بزه		
سزادهنده.....	۴۸	
۲-۱-۲-۱-۲. عقل گرایی صرف.....	۴۹	
۳-۱-۲-۱-۲. آزادی مطلق اراده.....	۵۰	
۲-۲-۱-۲. انتقادات	وارد	بر
سزادهنده.....	۵۰	کارکردهای قضای کیفی
۲-۲. قضای احیاگر.....	۵۲	
۱-۲-۲. برنامه های قضای احیاگر.....	۵۳	
۱-۱-۲-۲. میانجی گری میان بزه دیده - بزه کار.....	۵۳	
۱-۱-۱-۲-۲. داوری.....	۵۵	
۲-۱-۱-۲-۲. مقایسه میانجی گری و داوری.....	۵۶	
۲-۱-۲-۲. نشست (کنفرانس).....	۵۷	
۱-۲-۱-۲-۲. مقایسه	روش	نشست
و	میانجی	گری
سزادهنده.....	۵۹	

- ۳-۱-۲-۲ هیئت ها یا پانل های بزه دیده- بزه  
کار..... ۵۹
- ۲-۲-۲. نمونه برنامه های قضای احیاگر در چند کشور..... ۶۰
- ۱-۲-۲-۲. میانجی گری اجتماعی و حل و فصل اختلافات در  
کانادا..... ۶۰
- ۲-۲-۲-۲. مرکز میانجی گری اجتماعی اسپانیا..... ۶۱
- ۳-۲-۲-۲. زنان میانجی گر اجتماعی - فرهنگی در  
فرانسه..... ۶۲
- ۴-۲-۲-۲. میانجی گری بین بزه دیده - بزهکار در  
سوئد..... ۶۳
- ۳-۲-۲. محاسن و معایب قضای احیاگر..... ۶۴
- ۱-۳-۲-۲. معایب قضای احیاگر..... ۶۴
- ۱-۱-۳-۲-۲. انتقادات وارد بر نظریه ی قضای  
احیاگر..... ۶۴
- ۱-۱-۳-۲-۲. حاکمیت بلامنازع تصمیم  
گیرندگان..... ۶۴
- ۲-۱-۳-۲-۲. داوطلبانه بودن ظاهری و نه واقعی برنامه های  
احیاگر..... ۶۵
- ۳-۱-۳-۲-۲. رسیدگی و محاکمه مضاعف..... ۶۵
- ۴-۱-۳-۲-۲. نبود برنامه های نظارت بر رفتار  
ضابطان..... ۶۶
- ۲-۱-۳-۲-۲. انتقادات وارد بر کارایی و کارکردهای قضای  
احیاگر..... ۶۷
- ۱-۲-۳-۲-۲. پیامدهای عدم صداقت بزه  
دیده..... ۶۷
- ۲-۲-۳-۲-۲. فشار بر بزه دیده برای بخشش  
بزهکار..... ۶۷

۳-۱-۱-۳-۲-۲. عدم پیش بینی ساز و کارهای کافی برای جبران خسارات.....	۶۸
۴-۲-۱-۳-۲-۲. ناهمگونی تناقض آمیز برنامه های احیاگر.....	۶۹
۲-۳-۲-۲. آثار و نتایج مثبت قضای احیاگر.....	۷۲
۱-۲-۳-۲-۲. تأمین رضایت بزه‌دیده و بزه‌کار.....	۷۲
۲-۲-۳-۲-۲. پیشگیری از تکرار جرم.....	۷۴
۳-۲-۳-۲-۲. تأثیرات اجتماعی مطلوب قضای احیاگر.....	۷۴
۴-۲-۲. ضرورت های اصلاح الگوی قضای سنتی.....	۷۷
۵-۲-۲. عوامل مؤثر در تداوم استفاده از سیاست های قضای سنتی.....	۸۰
۶-۲-۲. موانع استفاده از الگوی قضای احیاگر.....	۸۳
فصل سوم: جایگاه قضای احیاگر در سیاست جنایی ایران.....	۸۵
۱-۳. نمونه هایی از احیاگری در اسلام.....	۸۷
۱-۱-۳. احیاگری در آیات قرآن کریم.....	۸۸
۲-۱-۳. احیاگری در روایات.....	۹۰
۲-۳. نمونه هایی از کاربری قضای احیاگر در سیاست جنایی ایران.....	۹۲
۱-۲-۳. قضای احیاگر در سیاست جنایی تقنینی ایران.....	۹۲
۱-۱-۲-۳. جایگاه قضای احیاگر در نهادهای عمومی حقوق کیفری.....	۹۴
۱-۱-۱-۲-۳. قضای احیاگر و تخفیف و تبدیل کیفر.....	۹۴
۲-۱-۱-۲-۳. قضای احیاگر و تعلیق مجازات.....	۹۷
۳-۱-۱-۲-۳. قضای احیاگر و آزادی مشروط.....	۹۸
۲-۱-۲-۳. ضمانت اجراهای کیفری و قضای احیاگر.....	۱۰۰
۱-۲-۱-۲-۳. قصاص.....	۱۰۰
۲-۲-۱-۲-۳. دیه.....	۱۰۲

- ۳-۱-۲-۳. جایگاه قضای احیاگر در لایحه مجازاتهای اجتماعی جایگزین زندان.....۱۰۴
- ۴-۱-۲-۳. جایگاه قضای احیاگر در پیش نویس قانون آیین دادرسی کیفری.....۱۰۸
- ۲-۲-۳. جایگاه قضای احیاگر در سیاست جنایی قضایی ایران.....۱۱۱
- ۱-۲-۲-۳. میانجی گری قضایی.....۱۱۲
- ۲-۲-۲-۳. معاضدت قضایی و صلح و سازش.....۱۱۴
- ۳-۲-۲-۳. شوراهاى حل اختلاف.....۱۱۵
- ۴-۲-۲-۳. احیاگری قضایی چ در لایحه تشکیل دادگاه نوجوانان و اطفال.....۱۲۳
- ۳-۲-۳. جایگاه قضای احیاگر در سیاست جنایی اجرایی و مشارکتی.....۱۲۹
- ۱-۳-۲-۳. میانجی گری پلیسی.....۱۲۹
- ۳-۳-۲-۳. جبران خسارات بزه دیده توسط بیمه؛ گذار از حقوق مسئولیت به حقوق بیمه.....۱۳۲
- ۲-۳-۲-۳. جبران خسارات بزه دیده توسط دولت؛ گذار از حقوق مسئولیت مدنی فردی به حقوق مسئولیت اجتماعی.....۱۳۴
- ۴-۳-۲-۳. میانجی گری شرکت های بیمه در حل و فصل اختلافات کیفری.....۱۳۶
- ۵-۳-۲-۳. انجمن معتادان گمنام و قضای احیاگر.....۱۳۸
- ۶-۳-۲-۳. مشارکت نهادهای اجرایی مدنی و انجمن های خیریه در قضای احیاگر.....۱۴۲
- ۷-۳-۲-۳. لایحه پیشگیری از وقوع جرم.....۱۴۵
- ۳-۳. راهکارهای تدوین برنامه ای جهت استفاده از قضای احیاگر در سیاست جنایی ایران.....۱۴۶
- ۱-۳-۳. مشاوره و استفاده از تجربه دیگران در طرح ریزی و اجرای برنامه قضای احیاگر.....۱۵۰

۲-۳-۳. گزینش زمینه های اصلی و اولویت دار الگوی قضای	
احیاگر.....	۱۵۱
۳-۳-۳. عکس العمل ها در برابر الگوی قضای احیاگر.....	۱۵۱
۴-۳-۳. تهیه برنامه عمل.....	۱۵۴
نتیجه گیری.....	۱۵۶
فهرست منابع و مآخذ.....	۱۵۹

## الف) بیان مسأله

انسان موجودی اجتماعی است و همواره ناگزیر بوده است که در میان هم نوعان خود ادامه حیات بدهد. او مخلوقی است که بنا به طبع و خلقت خاص خود، توان خلوت گزیدن و دست کشیدن از اجتماع و مردم را ندارد و ناچار است که زندگی در میان جمع را بر جدایی و زیست فردی مقدم شمارد.

اگر آدمی توانسته است دریاها و اقیانوس ها را در نوردد، فضا را ببیماید، طبیعت را تسخیر کرده، نیروهای موجود در آن را مهار نماید و روز به روز با پیشرفت علوم و فنون چهره ای جدید به زندگی ببخشد و یافته ها و ساخته های حیرت انگیزی عرضه نماید، این همه در سایه ی ارتباط، همفکری و همکاری بشر به دست آمده است.

اما روابط اجتماعی و زندگی انسان ها در کنار یکدیگر، درعین حال که عامل بقاء و مایه ی رشد و پیشرفت بوده، باعث گردیده است که بین منافع و حقوق آنها تعارض و تزاخم به وجود آید که همین امر به پدید آمدن دعوا و اختلاف در میان انسان ها انجامیده است.

دعوا و اختلاف را باید همزاد آدمی و جزو واقعیات زندگی بشری دانست؛ چرا که انسانها هر یک، هدفها، آرمانها و چشم اندازهای خاص خود را داشته، از طرز نگرش و انتظارات خاصی برخوردار می باشند، بنابراین منافع و دل نگرانی های آنان نیز متفاوت از هم می باشد؛ ضمن آنکه برای نیل به اهداف خود، روش های متفاوتی برمی گزینند. دراین شرایط، طبیعی است که این تعلقات خاص، با تعلقات سایر افراد تداخل نموده و اختلافات پدیدار شوند.

بدین سان دعوا و اختلاف در جوامع بشری از دیرباز وجود داشته و برای حل آنها نیز از روش ها و راه حل هایی استفاده می شده است؛ راه حل هایی که در هر دوره و عصری تغییر و تکامل یافته اند. در بدو امر، حل نزاع و اختلاف بر مبنای زور و قدرت صورت می گرفته و با وقوع هر اختلافی، آتش فتنه و جنگ جدیدی در می گرفته و در نهایت نیز اراده ی طرف قوی تر بر مبنای منطق زور و اجبار حاکم می شده است.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> «آنچه در روزگاران کهن قانون را پدید آورده دو چیز بوده است: یکی قدرت و دیگری نیروی عرف و عادت. برای حل اختلافات در اوایل خلقت، هر فردی که پرزور تر بوده، به افراد ناتوان زور می گفته است... در جوامع بدوی اگر اصحاب دعوا منازعات میان خویش را به مسالمت حل و فصل نمی کردند، چاره ای جز جنگ و قتال نمی دیدند. لذا صفحات تاریخ به جای حکومت قانون، از صحنه های کینه توزی و خونخواهی و قصاص مشحون است.» (علی پاشا صالح، سرگذشت قانون؛ مباحثی از تاریخ حقوق، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳، صص ۱۵-۱۸)

پیشرفت علم و صنعت نیز در حالی که دستاوردهای بی شماری را عاید بشر ساخته و حیات آدمیان را آسان و دلنشین تر و طولانی تر از گذشته گردانیده، زمینه ساز اختلافات و دعاوی متعدّد، دشوار و جدیدی هم بوده تا جایی که این اختلافات در زمان ما، گستردگی و پیچیدگی بیشتری یافته است؛ از یک طرف افزایش جمعیت و نزدیکی و ارتباط بیشتر اشخاص با یکدیگر به کمک وسایل جدید ارتباط جمعی، دامنه ی اختلافات را گسترده تر نموده است و از سوی دیگر قانون در قضای کیفری سنتی، به عنوان تنظیم کننده ی روابط اجتماعی، گاه به علل مختلف و از جمله ناتوانی واضعان آن، نتوانسته است خود را با این گستردگی و تحولات، همگام سازد؛ در نتیجه از حلّ و فصل سریع و بی شبهه ی اختلافات باز مانده و در تاریکی اختلافات روز افزون، روشنگری خویش را از دست داده و خود، دست مایه ی اختلاف و دعوا قرار گرفته است.

حقیقت این است که با افزایش اختلافات، حلّ و فصل آنها از طریق نظام قضایی رسمی و دولتی یعنی از طریق دادگاههای دولتی و توسط قضات منتخب دولت، گذشته از هزینه زیادی که بر دولت ها تحمیل می کند، منجر به تراکم کار و انباشته شدن پرونده ها در دادگاههای دادگستری می شود. این امر به دلیل تبعاتی همچون کندی جریان حل و فصل اختلافات و پایین آمدن کیفی رسیدگی و آراء و در نتیجه عدم آرای صحیح و سریع عدالت، نارضایتی اصحاب دعوا را به دنبال داشته است.

قضای کیفری سنتی در معرض انتقادات دیگری نیز قرار گرفته است؛ فساد و عدم سلامت ارکان مختلف این دستگاه، دخالت مراجع سیاسی در اجرا یا عدم اجرای دقیق قانون، عدم دسترسی مساوی و کافی برای همه، عدم حمایت شایسته از بزه دیدگان و گروههای آسیب پذیر در برابر بزه و به طور کلی عدم کارایی این نظام، از مهم ترین انتقادات مطرح شده در این زمینه است. علل فوق و دلایل متعدّدی باعث گردیده که روز به روز بر تمایل اشخاص به حلّ اختلافات کیفری خویش از طریق شیوه هایی نظیر میانجی گری، گفتگو و... افزوده شده و همچنین مؤسسات و سازمانهای مختلف موضوع فعالیت خویش را به این شیوه ها اختصاص دهند.

بدین ترتیب درحالیکه در نیمه ی دوم قرن هفدهم میلادی، تلاش نظریه پردازان برای سپردن مسئله ی قضای کیفری به دست دولت با مخاطرات عمده ای روبرو بوده، از حدود دو دهه قبل تلاشهای بسیاری برای باز پس گرفتن آن از دست دولت، صورت گرفت. تلاشهایی در

جهت باز پس گرفتن سرزمینهای از دست رفته ی قضای کیفری و اعاده ی آن به صاحبان و ذی نفعان اصلی آن.<sup>۱</sup>

بر همین اساس، از حدود سه دهه قبل، الگوی جدیدی در قضای کیفری مطرح شد؛ قضای احیاگر توانست با ارائه راه کارهایی مناسب، برای مشکلات و انتقاداتی که نسبت به قضای سنتی مطرح بود، به سرعت به قوانین کیفری بسیاری از کشورها راه یابد. در برنامه های قضای احیاگر، مواجهه ی رودرروی بزهکار و بزه دیده و نیز سایر سهامداران، مدّ نظر قرار گرفته و نتیجه چنین فرآیندی در صورت موفقیت، دستیابی به توافقی بود که بر خلاف قضای سنتی، در آن بازنده و برنده معنایی نداشت؛ همچنین موجب کاهش وقوع بزه و افزایش امنیت اجتماعی شده و نیز اختلاف و خصومت میان طرفین بزه را به حداقل رساند.

اهمیت این رویکرد جدید را باید ناشی از این آموزه ی مهم و اساسی دانست که «ارتکاب بزه در درجه ی اول، به بزه دیده ضربه وارد می کند و آنچه در درجه اول اهمیت قرار دارد، جبران خسارت های مادی، معنوی، روانی و عاطفی وارد شده بر اوست.»<sup>۲</sup> از سوی دیگر، این دیدگاه معتقد است که حلّ و فصل اختلافهای ناشی از ارتکاب بزه و آشتی دادن طرف های ذی نفع، نه به وسیله قدرت حاکم و دولت، بلکه باید به وسیله جامعه ی محلی و با حضور فعال بزه دیده و بزهکار، در چهارچوب میانجی گری، مذاکره، مصالحه و نشست و... صورت پذیرد.

در واقع این رویکرد، بزه را نقض قوانین و مقررات رسمی و مخالفت با قدرت حاکم یا دولت نمی پندارد؛ بلکه آن را اختلاف و تعارضی در روابط اشخاص می داند.

در این دیدگاه می توان نوعی بازگشت به عدالت کیفری دوران اولیّه تحوّل و تطوّر انسانی را ملاحظه کرد که در آن بزه دیده و بستگان او و بزهکار و نزدیکان او با مداخله جامعه محلی، قبیله یا خانواده های ذی نفع، در رفع و جبران آثار خسارت بار بزه و خصومت و تنش ناشی از ارتکاب جرم و نیز احیای وضعیت قبل از جرم می کوشیدند. درواقع در این نوع رویکرد، هدف، انتقال عدالت به میان و نزدیک مردم به منظور دستیابی هرچه سریع تر به راه حل اختلاف کیفری و رفع بحران و اختلال ناشی از ارتکاب جرم در محل، گروه، خانواده و... است.<sup>۳</sup>

رویکرد قضای احیاگر ابتدا در کشورهای آمریکای شمالی، استرالیا و زلاندنو، در اشکال مختلف آن مانند میانجی گری، نشستها یا جلسات گروهی خانوادگی، جلسات یا حلقه ها یا

<sup>۱</sup> نیل کریستی، "اختلافها به مثابه دارایی" (ترجمه ی غلامی)، فقه و حقوق، ۸ (۱۳۸۵): ۱۶۸.

<sup>۲</sup> علی حسین نجفی ابرند آبادی، "اصلاح ذات البین ونظریه عدالت ترمیمی"، مدرس علوم انسانی، ۵۸ (۱۳۷۸): ۱۹۶.

<sup>۳</sup> علی حسین نجفی ابرندآبادی، "از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت ترمیمی"، الهیات و حقوق، ۹ و ۱۰ (۱۳۸۲): ۶.

جرگه‌های شفاف‌بخش، درمان‌بخش، اصلاح‌گر و... معمول شد و متعاقب آن مورد توجه دکترین و قانونگذاران قرار گرفت. در واقع، نهادهای مدنی و مراجع قضایی و پلیسی این کشورها سعی کردند در قالب ابتکارهای گروهی و محلی، اختلافات کیفری سبک را بدون توسل یا ادامه فرایند قضایی، حل و فصل کنند.<sup>۱</sup>

مدتی پس از آن، این رویکرد به کشورهای اروپای قاره‌ای، که دارای سیستم حقوقی رومی - ژرمنی می‌باشند، منتقل شد و مورد توجه نهادهای جامعه‌ی، قضایی، جرم‌شناسان و حقوقدانان واقع شد.<sup>۲</sup>

قضای احیاگر، بدین ترتیب در زمان کوتاهی به حقوق کیفری بسیاری از کشورها راه یافت و با سرعت، رشد و گسترش یافت؛ ساختاری که مرزهای حقوق کیفری را درهم نوردیده، به پهنه‌ی سیاست جنایی کشورها وارد شد و اکنون نیز آن را به سمت جهانی شدن پیش می‌برد.

امروزه در قوانین داخلی کشورها، گرایشی روز افزون، به استفاده از قضای احیاگر دیده می‌شود. تا جایی که به گفته‌ی برخی، در حال حاضر بیش از صد کشور به نحوی از انحاء، از آموزه‌های قضای احیاگر در قوانین کیفری خویش بهره می‌برند.<sup>۳</sup>

افزون بر این، به دلیل همگونی و سازگاری آموزه‌های احیاگر و قابلیت انعطاف و احترام آن به ارزشها و مفاهیم و سنن بومی، مذهبی، فرهنگی و اجتماعی در قلمرو قضای کیفری، زمینه‌ی پذیرش آن در حوزه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بیش از پیش فراهم شده است و کنوانسیون‌ها و قوانین واحدی به منظور یکسان‌سازی مقررات داخلی کشورها در زمینه‌ی قضای احیاگر و تسهیل در اجرای آن، به تصویب رسیده است.

اما نکته‌ی مهم آنکه، اتخاذ الگوی احیاگر در سیاست جنایی کشورهای مختلف، اسباب و لوازم ویژه‌ای می‌طلبد. ساختار سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و حتی اعتقادی کشورها از جمله عناصر مهم و اساسی در به‌کارگیری خطّ مشی احیاگر در سیاست جنایی آنها می‌باشد. به دیگر سخن، مؤفقیت سیاست‌ها و برنامه‌های قضای احیاگر در واکنش به بزه و حالت خطرناک، شرایطی را می‌طلبد که شاید نتوان آنها را در ساختار قضایی برخی کشورها یافت. شاهد این مدعا خیل عظیمی از کشورهایی هستند که در پی شکوفایی و پویایی فزاینده‌ی

---

<sup>۱</sup> می‌ری دلماس مارتی، نظامهای بزرگ سیاست جنایی، (مترجم: علی حسین نجفی ابرندآبادی)، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۳۱ به بعد.

<sup>۲</sup> همان، ص ۵۴.

<sup>۳</sup> علی حسین نجفی ابرندآبادی، همان، ۱۰.

قضای احیاگر، به تقلید از کشورهای پیشرو در این زمینه، سیاست داخلی خویش را درگیر تحوّل نموده اند تا با افتخار در مسیر تکامل آن قدم نهند؛ فارغ از آنکه فاقد زمینه ها و زیرساخت های ضروری برای اجرای برنامه های قضای احیاگر بوده و علی رغم تمام تلاشی که داشته اند، به موفقیت چندان نرسیدند.

این امر شاید به این دلیل باشد که اساس راهکار قضای احیاگر، نیاز و درخواست جهت اصلاح و تغییر در قضای کیفری سنتی است؛ از سویی اصلاح و تغییر وظایف و از سوی دیگر تقویت نهادها و سازمانهایی که در کنار دستگاه قضا، وظیفه برخورد با تخلف ها و جرم ها را دارند تا در مقابل این پدیده ها، واکنش و پاسخ هایی را سازماندهی نمایند.

### ب) سؤالات اصلی

با توجه به آنچه ذکر شد، اساس اندیشه ی قضای احیاگر را باید در ناکارآمدی قضای سنتی خصوصاً در عرصه تکرار جرم، جستجو کرد. اما چقدر می توان به کارآمدی قضای احیاگر مطمئن بود؟ همانطور که می دانیم یکی از مشکلات عمده ی نظام های قضایی، تورّم قضایی است. گرچه شمار زیاد پرونده هایی را که امروزه در دادگستری ها مطرح می باشند، می توان حاصل ناکارآمدی قضای سنتی و شیوه ها و راهکارهای آن دانست، آیا رویکرد احیاگر به قضای کیفری، می تواند گره از این مشکلات عدیده بردارد؟ این رویکرد، خود چه نقاط ضعف و قوتی دارد؟

از سوی دیگر این سؤال مطرح می شود که در سیاست جنایی ایران این مسأله چه جایگاهی دارد؟ با توجه به ساختار سیاست جنایی ایران، چگونه می توان به کارآمدی راهکارهای قضای احیاگر امیدوار بود؟

بنابراین می توانیم سؤالات اصلی خود را این گونه مطرح نماییم که:

- ۱) نقاط قوت و ضعف الگوی قضای احیاگر چیست؟
- ۲) قضای احیاگر و برنامه های آن تا چه حد با سیاست جنایی ایران سازگاری دارد؟
- ۳) چه راهکاری برای استفاده مطلوب از برنامه های قضای احیاگر در سیاست جنایی ایران می توان یافت؟

### ج) فرضیات

با توجه به آنچه گفته شد، فرضیات ما در این تحقیق عبارتند از:

- ۱) برنامه های قضای احیاگر گرچه ممکن است دارای نقاط ضعفی همچون حاکمیت همه جانبه ی تصمیم گیرندگان بر آن برنامه ها، نبود برنامه های نظارت بر رفتار بزه دیدگان و...

باشند، اما نتایج مثبتی چون پیشگیری از تکرار جرم و نیز تأمین رضایت واقعی بزه دیده و بزهکار را در پی دارد.

۲) رویکرد قضای احیاگر تا حدود زیادی با سیاست جنایی ایران سازگار بوده و می توان به ثمر بخشی این راهکارها در سیاست جنایی ایران امیدوار شد.

۳) برای استفاده مطلوب از الگوی قضای احیاگر در سیاست جنایی ایران، به تدوین یک برنامه عمل مناسب و دقیق و نیز مدیریت قوی و مستمر برای اجرای صحیح آن نیاز داریم.

#### د) روش تحقیق

در این تحقیق به مانند سایر تحقیقات رایج در علوم انسانی، از مطالعه ی منابع کتابخانه ای برای جمع آوری اطلاعات استفاده شده است. همچنین شیوه ی اندیشه ورزی در این تحقیق، از نوع نقدی- کاربردی می باشد؛ چرا که ما با بررسی و نقد قضای احیاگر، در پی یافتن نقاط ضعف و قوت آن هستیم؛ تا جایگاه آن را در سیاست جنایی ایران تبیین نموده و راهکاری برای استفاده از آن ارائه نماییم.

#### ه) اهمیت و ضرورت تحقیق

امروزه مقامات قضایی ایران در گفتمان خویش به متحوّل ساختن نظام قضایی و تفویض برخی امور به شهروندان، اذعان نموده اند. مطالعه ی قضای احیاگر و راهکارها و برنامه های آن، ما را به این امر رهنمون می کند که این رویکرد می تواند بهترین ابزار در جهت عملی ساختن این تحوّل باشد. همچنین قضای احیاگر می تواند به عنوان نمودی از سیاست جنایی مشارکتی، در راستای عملی و عینی ساختن یکی از جلوه های جامعه ی مدنی، که همانا حضور فعال مردم در عرصه مدیریتی می باشد، قدم بردارد. همچنین از شواهد برمی آید که قوه مقننه نیز در پی نهادینه کردن قضای احیاگر در حقوق ایران می باشد.<sup>۱</sup>

از سوی دیگر، همانطور که می دانیم، فقه اسلامی از منابع اصلی حقوق در کشور ایران است؛ وجود جلوه هایی از قضای احیاگر در آموزه های اسلامی، به خصوص با توجه به ظرفیت های گفتگو و مذاکره طرفین دعوا و به رسمیت شناختن توافق آنها در امور کیفری، امکان عفو و گذشت و جبران خسارت، تأکید بر اعلام ندامت و توجّه به نتایج بزه ارتكابی، ضرورت تبیین هرچه بیشتر آن را آشکار می سازد.

---

<sup>۱</sup> حداقل در خصوص مسائل مربوط به اطفال، می توان به ماده ۱۵ لایحه قانونی تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان اشاره کرد. در فصل سوم به این مسأله پرداخته شده است.

## و) پیشینه ی تحقیق

پیرامون Restorative Justice، به زبان فارسی چند کتاب و مقاله منتشر شده است و رعایت انصاف آن است که آثار برجسته را از باب تمثیل ذکر کرده و از مؤلفان و مترجمان آن آثار به خاطر تلاششان تمجید نماییم. عدالت ترمیمی نوشته ی دکتر حسین غلامی و دو دیباچه از دکتر نجفی ابرندآبادی از مهم ترین این آثار هستند<sup>۱</sup>. همچنین دو مقاله به صورت ترجمه<sup>۲</sup> و نیز مقاله «از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت ترمیمی» دکتر نجفی ابرندآبادی در این موضوع به نگارش در آمده اند. به جز این، چند پایان نامه نیز در این موضوع دیده می شود که به جز دو اثر، بقیه از دستمایه ی چندانى برخوردار نیستند.

اما با این حال قضای احیاگر و برنامه های آن در سیاست جنایی ایران در مقایسه با سایر کشورها هیچ پیشرفت عملی نداشته است؛ حتی عده ای نمونه برنامه های موجود را نیز نه تلاش ارادی قانونگذار در بهره بردن از نتایج عملی آن در سایر کشورها، که تأثیر استفاده از قوانین و مقررات و کنوانسیون های مختلف بین المللی در قوانین داخلی می دانند.

بنابر این آثار فوق، که عموماً تنها به روش ترجمه ای به تشریح اصول الگوی قضای احیاگر و عناصر و فرایند آن پرداخته اند و از بدعت و نو آوری به معنای واقعی تولید علم در این حوزه برخوردار نیستند، هیچ گاه نتوانسته اند در زمینه ی بهره گیری از برنامه ها و راهکار ها و نتایج این الگو در سیاست جنایی ایران قدمی برداشته باشند.

این خلأ در نگاشته های حقوقی کشور، نگارنده را بر آن داشت تا به طور مصمّم و با رعایت معیارهای اصولی روش تحقیق، به ارزیابی جامع این الگو و نیز بررسی موانع اجرایی آن و نشان دادن راهکارهایی برای تدوین برنامه ای جامع در جهت استفاده از دستاوردهای عملی آن بپردازد.

با این توجیه، دستاورد این پایان نامه را در نوع خود بدیع و غیر مسبوق به پیشینه دانست. امید آنکه آغازی باشد بر ارائه برنامه ای مدوّن دراستفاده از راهکارهای قضای احیاگر در سیاست جنایی ایران.

<sup>۱</sup> دیباچه های وی بر کتب:

- ژرار لیز، ژینا فیلیزولا؛ بزه دیده و بزه دیده شناسی. (ترجمه روح... کرد علیوند و احمد محمدی)، تهران: انتشارات مجد، (۱۳۷۹).

- مهرداد رایجیان اصلی، بزه دیده در فرایند کیفری. تهران: نشر خط سوم، (۱۳۸۱).

<sup>۲</sup> مقاله های زیر:

- نیل کریستی، «اختلافها به مثابه دارایی» (ترجمه حسین غلامی)، فقه و حقوق، ۸، (۱۳۸۵): ۱۶۷-۱۹۶.

- جان برایت ویت، «عدالت ترمیمی» (ترجمه مهرداد رایجیان اصلی)، مجله تحقیقات حقوقی، ۴۳، (۱۳۸۵): ۵۲۱-۵۷۰.

## ز) سامانه ی تحقیق

در سیاست جنایی ایران با توجه به تنوع فرهنگی و قدمت طولانی در حلّ و فصل اختلافات به شیوه های بومی و غیررسمی، و مهم تر از همه، با درک عمیق آموزه های دینی، می توان نمونه هایی از رویکردهای قضای احیاگر را مورد بحث و بررسی قرار داد. شاید با اجرای این مفاهیم در یک ساختار مناسب و با ارائه ی راهکارهای مؤثر در این زمینه، بتوان زمینه ی اجرای این آموزه ها را در عمل، فراهم آورد.

با توجه به چنین مسأله ای، در این تحقیق، ابتدا قضای احیاگر صرفاً به مثابه یک موضوع، مورد مطالعه ی ماهوی قرار می گیرد. اما در ادامه، این موضوع به مثابه یک شیوه، راهکار یا الگویی برای اصلاح و تغییر قضای سنتی که نیازمند مدیریت می باشد، مورد بررسی قرار می گیرد؛ تا مشخص شود که در این فرایند اصلاح و تغییر، توجه به چه مسائلی ضروری است؛ مسائلی که بدون شناخت و رعایت آنها از امکان توفیق این فرایند کاسته شده و یا به شکست خواهد انجامید.

بنابراین تحقیق حاضر، در سه فصل بدین صورت به نگارش درآمده است:

در فصل اول با عنوان «کلیات»، به ماهیت قضای احیاگر، تحولات تاریخی، اصول و اهداف آن، و نیز مفهوم و انواع سیاست جنایی می پردازیم. در فصل دوم، با عنوان «نقد و بررسی قضای احیاگر»، ابتدا به معرفی قضای سزادهنده و انتقادات وارد بر آن پرداخته، سپس برنامه های قضای احیاگر را تبیین نموده به نمونه ای از آنها در چند کشور اشاره کرده، آنگاه انتقادات وارد بر آن را از نقطه نظر تئوری و کارکردهای آن بررسی خواهیم کرد؛ در ادامه به بیان مزیت های قضای احیاگر نسبت به قضای سزادهنده پرداخته، و ضرورت های اجرایی و نیز موانع اجرایی آن را به مثابه یک الگوی کیفی بررسی خواهیم کرد.

در فصل سوم، با عنوان «جایگاه قضای احیاگر در سیاست جنایی ایران»، به بیان نمونه هایی از کاربردهای قضای احیاگر در سیاست جنایی تقنینی، قضایی و اجرایی ایران می پردازیم. در نهایت با کمک این نمونه کاربردها، راهکارهایی برای تدوین برنامه ای جهت استفاده از قضای احیاگر در سیاست جنایی ایران، ارائه خواهیم داد.

فصل اوّل

# کلیّات